

وجه التزام تأخیر در ایفاء تعهدات پولی

علیرضا محرابی‌زاده*

چکیده

واژه «وجه التزام» عنوانی است که به «مبلغ» ذکرشده در ماده (۲۳۰) قانون مدنی اشاره دارد. طرفین قرارداد با درج شرط وجه التزام، علاوه بر اعطاء اطمینان خاطر بیشتر به طرف دیگر نسبت به عدم تخلف از قرارداد، تمامی مخاطرات و ریسک‌های احتمالی آتی ناشی از تخلف از قرارداد اعم از عدم اجرا قرارداد یا تأخیر در اجرا- آن را پوشش داده یا به حداقل می‌رسانند. رأی وحدت رویه شماره (۸۰۵) دیوان عالی کشور در خصوص «تعیین وجه التزام قراردادی به منظور جبران خسارت تأخیر در ایفاء تعهدات پولی» در واپسین روزهای سال ۱۳۹۹ به تصویب هیئت عمومی دیوان رسید و بلافاصله محل توجه حقوق دانان و قضات دادگستری قرار گرفت. نوشتار حاضر هم‌زمان به نقد و بررسی «متن» و «فرامتن» این رأی وحدت رویه پرداخته و در نهایت چنین جمع‌بندی نموده است که رأی مذکور از جهت تمسک به اطلاق ماده (۲۳۰) قانون مدنی فاقد اشکال بوده است؛ لکن استناد به ذیل ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ در تمام فروض مورد بررسی، خالی از اشکال نیست. همچنین در نقد و بررسی فرامتنی، به اهم نکات در خصوص آثار و تبعات رأی وحدت رویه (۸۰۵) اشاره شده است.

واژگان کلیدی: تعهدات پولی، خسارت قراردادی، کاهش ارزش پول، نرخ تورم، وجه التزام.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق، تهران، ایران

گردش کار و متن رأی وحدت رویه

متن رأی^۱

«درخصوص دعوی شرکت سهامی پشتیبانی امور دام استان مازندران به طرفیت ۱. شرکت تعاونی تولیدی ۲. صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون به خواسته محکومیت تضمینی خواندگان به پرداخت مبلغ ۵۱,۹۹۹,۸۸۷ ریال به‌عنوان خسارت وجه التزام قراردادی ... بدین توضیح که خواهان اظهار داشت شرکت امور دام قراردادی ... مبنی بر فروش مقدار ۳۹۲۱۵۶ کیلوگرم ذرت به مبلغ ۲,۹۹۹,۹۹۳,۴۰۰ ریال با خواننده ردیف اول منعقد و خواننده ردیف دوم بازپرداخت آن را با صدور ضمانت‌نامه بانکی ... تضمین نموده است. پس از انقضای مدت قرارداد و عدم ایفاء تعهدات و صدور گواهی عدم پرداخت چک شرکت ... درخواست وصول ضمانت‌نامه را نموده ولی خواننده ردیف دوم با ۲۶ روز تأخیر نسبت به پرداخت آن اقدام و در حال حاضر وفق ماده دوم و بند یک ماده چهارم و ماده ششم قرارداد فی‌مابین مبلغ ۵۱,۹۹۹,۸۸۷ ریال بابت وجه التزام بدهکار می‌باشد، ... دادگاه با عنایت به مطالب معنونه و نظر به این‌که توافق بر جریمه به‌عنوان وجه التزام خسارت تأخیر تأدیه دین فقط در چارچوب مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۳ با اصلاحات بعدی برای وجوه و تسهیلات اعطائی بانک‌ها پیش‌بینی شده است ولی در تمام دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج است مطالبه و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بر اساس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود و شرط زیاده در تعهدات پولی ربا قرضی محسوب می‌شود. وجه التزام موضوع ماده ۲۲۰ قانون مدنی ناظر به تعهدات غیر پولی است و قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون مذکور راجع به امکان مصالحه طرفین به نحو دیگر ناظر به مصالحه به کمتر از شاخص تورم است؛ زیرا مقررات یادشده تا سقف شاخص تورم، امری بوده و توافق بر بیشتر از آن بی‌اعتبار است. بنابراین دادگاه دعوی خواهان را محرز و ثابت ندانسته و با استناد به مواد ۱۹۷ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۲۳۰ قانون مدنی حکم به بطلان دعوی صادر و اعلام می‌نماید.»

با تجدیدنظرخواهی از این رأی، شعبه بیست و دوم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران به‌موجب دادنامه شماره ۱۵۸۸ - ۱۳۹۶/۱۲/۲۸، چنین رأی داده است: «... رأی مذکور با لحاظ شرح مندرج در آن و استدلال به عمل آمده با ذکر این نکته که نظریه شماره ۱۷۴۷/۹۲/۷ - ۱۳۹۲/۰۹/۰۹ اداره محترم کل حقوقی قوه قضاییه هم مؤید همان برداشتی است که دادگاه محترم نخستین در رأی فوق‌الذکر به آن رسیده وفق موازین صادر شده است، درخواست تجدیدنظر با دیگر جهات مندرج در بندهای ذیل ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مطابقت ندارد، از لحاظ اصول و قواعد دادرسی اشکال مؤثری بر

۱. دادنامه اول (دادنامه شماره ۰۵۱۵ - ۱۳۹۶/۰۶/۱۹، شعبه ۱۴ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ساری)

آن وارد نبوده، لذا با استناد به ماده ۳۵۸ قانون یادشده، ضمن رد اعتراض، دادنامه تجدیدنظرخواسته تأیید می‌گردد.»

متن رأی^۱

«در خصوص دعوی شرکت سهامی پشتیبانی امور دام استان مازندران به طرفیت ۱. شرکت تعاونی تولیدی ۲. صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاونی به خواسته محکومیت تضامنی خواندگان به پرداخت مبلغ ۵۳,۹۹۹,۸۹۹ ریال به‌عنوان خسارت وجه التزام قراردادی ... بدین توضیح که خواهان اظهار داشت طی قراردادی ... مبنی بر فروش مقدار ۴۰۵۲۲۸ کیلوگرم ذرت به مبلغ ۳,۰۹۹,۹۹۴,۲۰۰ ریال با خواننده ردیف اول منعقد و خواننده ردیف دوم بازپرداخت آن را با صدور ضمانت‌نامه بانکی ... تضمین نموده است، پس از انقضای مدت و عدم ایفاء تعهدات از جانب خواننده ردیف اول و صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت چک شرکت خواهان ... درخواست وصول ضمانت‌نامه را از خواننده ردیف دوم نمود. وی با ۲۷ روز تأخیر پرداخت نموده است و وفق ماده ۲ و بند یک ماده ۴ و ماده ۶ قرارداد فی‌مابین مبلغ مذکور [را] به‌عنوان خسارت وجه التزام بدهکار می‌باشد ... دادگاه با عنایت به مطالب معنونه و نظر به این‌که توافق بر جریمه به‌عنوان وجه التزام خسارت تأخیر تأدیه دین فقط در چارچوب مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۳ با اصلاحات بعدی برای وجوه و تسهیلات اعطائی بانک‌ها پیش‌بینی شده است ولی در تمام دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج است مطالبه و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بر اساس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود و شرط زیاده در تعهدات پولی، رباء قرضی محسوب می‌شود. وجه التزام موضوع ماده ۲۳۰ قانون مدنی ناظر به تعهدات غیرپولی است و قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون مذکور راجع به امکان مصالحه طرفین به نحو دیگر ناظر به مصالحه به کمتر از شاخص تورم است؛ زیرا مقررات یادشده تا سقف شاخص تورم، امری بوده و توافق بر بیشتر از آن بی‌اعتبار است. بنابراین دادگاه دعوی خواهان را محرز و ثابت ندانسته و با استناد به مواد ۱۹۷ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۲۳۰ قانون مدنی حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام می‌نماید.»

با تجدیدنظرخواهی از این رأی، شعبه بیست و پنجم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران به‌موجب دادنامه شماره ۱۵۰۹ - ۱۳۹۶/۱۱/۳۰، چنین رأی داده است:

«... دادنامه تجدیدنظرخواسته در خور نقض است و استدلال مذکور در آن از قابلیت دفاع برخوردار نیست؛ زیرا توافق طرفین در تعیین وجهی به‌عنوان التزام قراردادی منافاتی با اصل آزادی اراده ندارد و از اراده انشائی طرفین در بند ۱ ماده ۴ قرارداد پیوست نیز مغایرتی با قانون استدرک نمی‌شود. مضافاً مقید نمودن قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون

۱. دادنامه دوم (دادنامه شماره ۰۵۱۴ - ۱۳۹۶/۶/۱۹ - شعبه ۱۴ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ساری)

آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به مصالحه طرفین به کمتر از شاخص تورم نیز فاقد مبنای قانونی است در نتیجه دادنامه صادرشده به تجویز ماده ۳۵۸ از قانون مرقوم نقض و به استناد مواد ۱۰، ۲۳۰ قانون مدنی و ۵۲۲ قانون پیش‌گفته دعوی خواهان محمول بر صحت تلقی و حکم محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۵۳,۹۹۹,۸۹۹ ریال به‌عنوان اصل خواسته با محاسبه خسارت حاصل از امر دادرسی که در زمان اجرا حکم محاسبه خواهد شد به نفع خواهان صادر و اعلام می‌شود.»

متن رأی^۱

تعیین وجه التزام قراردادی به‌منظور جبران خسارت تأخیر در ایفاء تعهدات پولی، مشمول اطلاق ماده ۲۳۰ قانون مدنی و عبارت قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است و با عنایت به ماده ۶ قانون اخیرالذکر، مبلغ وجه التزام تعیین‌شده در قرارداد، حتی اگر بیش از شاخص قیمت‌های اعلامی رسمی (نرخ تورم) باشد، در صورتی که مغایرتی با قوانین و مقررات امری از جمله مقررات پولی نداشته باشد، معتبر و فاقد اشکال قانونی است. بنا به مراتب، رأی شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آرا صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

مقدمه

واژه «وجه التزام» در هیچ‌یک از مواد قانون مدنی به کار نرفته است؛ اما در کلام حقوق دانان، این اصطلاح عنوانی است که به «مبلغ» ذکرشده در ماده (۲۳۰) قانون مدنی اشاره دارد. هرگاه طرفین عقد توافق کرده باشند که متعهد در صورت عدم اجرا تعهد یا تأخیر در اجرا آن، مبلغ معینی بپردازد؛ مبلغ مندرج در این شرط را وجه التزام گویند.

شاید بتوان گفت اصل «آزادی قراردادی» مهم‌ترین اصل حاکم بر حقوق قراردادهای در حقوق خصوصی است که خود منبعث از اصل «حاکمیت اراده» است. قانون مدنی ایران به صراحت در ماده (۱۰) به نفوذ قراردادهای خصوصی تأکید

۱. رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ - ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

کرده و «اصل آزادی قراردادی» را پذیرفته است.^۱ اعتبار شرط وجه التزام در قراردادهای خصوصی را می‌توان با استفاده از اصل حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی توجیه نمود. این اصول اقتضا می‌کنند که توافق طرفین در خصوص تعیین خسارت احتمالی ناشی از تخلف از قرارداد، معتبر و الزام‌آور باشد. همچنین تعهد به وجه التزام مطابق ماده (۲۱۹) قانون مدنی^۲ نیز الزام‌آور است.

اصل آزادی قراردادی در روابط خصوصی، دارای استثنائاتی نیز می‌باشد. به استناد ذیل ماده (۱۰) قانون مدنی، اگر قرارداد خصوصی «مخالف صریح» قانون باشد، نافذ نیست؛ با این توضیح که واژه «صریح» استفاده‌شده در ماده، در مقابل مخالفت ضمنی نیست؛ بلکه در مقابل تردید و ابهام بوده و بدان معناست که اصل اولیه در قراردادهای خصوصی، اصل اباحه است؛ لکن اگر مخالفت قرارداد با «قانون آمره» «مسلم» باشد، آن قرارداد فاقد اثر است (امامی، ۱۳۸۳: ۴۸). همچنین طبق ماده (۹۷۵) قانون مدنی^۳ نیز قراردادهای خصوصی نمی‌توانند مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه باشند.

رأی وحدت رویه شماره (۸۰۵) دیوان عالی کشور در خصوص «تعیین وجه التزام قراردادی به منظور جبران خسارت تأخیر در ایفاء تعهدات پولی» در واپسین روزهای سال ۱۳۹۹ به تصویب هیئت عمومی رسید و بلافاصله محل توجه حقوق دانان و قضات دادگستری قرار گرفت. شاید بتوان گفت محوری‌ترین مسئله‌ای که موجب اختلاف نظر میان شعب بیست و دوم و بیست و پنجم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران و نتیجتاً منتهی به صدور رأی وحدت رویه شده است، آن است که

۱. برخی از حقوق دانان ماده (۱۱۳۴) قانون مدنی فرانسه را منشأ الهام مقنن ایرانی در بنا نهادن اصل آزادی قراردادی دانسته‌اند و متذکر شده‌اند که نفوذ حقوق اروپایی را در این زمینه نباید انکار کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۴۵)؛ لکن برخی دیگر باتوجه پشتوانه و سوابق فقهی موضوع، ماده (۱۱۳۴) قانون مدنی فرانسه را نه الهام‌بخش قانون‌گذار ایرانی، بلکه تأییدی بر قانون مدنی ایران تلقی کرده‌اند (صفایی، ۱۳۸۵: ۴۷).

۲. ماده (۲۱۹) قانون مدنی: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آن‌ها لازم‌الاتباع است.»

۳. ماده (۹۷۵) قانون مدنی: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد اگرچه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.»

«دایره اصل آزادی قراردادی درخصوص تعیین میزان وجه التزام در تعهدات پولی، تا چه حد دارای سعه است؟ آیا درخصوص تعیین میزان وجه التزام در تعهدات پولی، قانون/قوانین آمرهای وجود دارد که طرفین قرارداد را محدود سازد؟ یا آن که وجه التزام در این نوع تعهدات می‌تواند هر مقداری باشد؟» در کنار مسئله اصلی مذکور، سوالات مهم دیگری نیز وجود دارد که در خلال نقد و بررسی رأی وحدت رویه شماره (۸۰۵) لازم است پاسخ داده شوند:

۱. آیا قواعد ناظر بر تعیین میزان وجه التزام قراردادی در «تعهدات پولی» اساساً متفاوت از قواعد ناظر بر تعیین میزان وجه التزام در «تعهدات غیرپولی» است یا خیر؟
 ۲. ربط و نسبت میان مواد (۲۲۸) و (۲۳۰) از قانون مدنی و مواد (۵۱۵) و (۵۲۲) از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ چیست؟
 ۳. آیا با وجود شرط وجه التزام در قراردادهای خصوصی، دادگاه می‌تواند علاوه بر وجه التزام، متخلف از قرارداد را محکوم به پرداخت سایر خسارات ناشی از تأخیر در اجرا تعهد یا عدم اجرا آن نماید؟
 ۴. آیا رأی وحدت رویه مورد بحث، شامل تسهیلات و وام‌هایی که بانک‌ها اعطا می‌نمایند نیز می‌شود؟ به عبارت دیگر در قراردادهایی که موضوع آن‌ها دین و از نوع وجه بوده و یکی از طرفین قرارداد بانک باشد، آیا محملی قانونی برای اجرا این رأی وحدت رویه وجود دارد یا خیر؟
- اهمیت آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور بر کسی پوشیده نیست. ذیل ماده (۴۷۱) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور را در حکم قانون قرار داده و در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع - اعم از قضایی و غیر آن - لازم‌الاتباع دانسته است. برای روشن‌تر شدن ابعاد رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ لازم است پس از نقد و بررسی شکلی و ماهوی (نقد و بررسی متن‌محور)، به آثار و تبعات رأی نیز توجه شود؛ از این رو نقد و بررسی فرامتنی رأی ضروری به نظر می‌رسد.

۱. وقایع پرونده

مطابق مفاد دو قرارداد مجزای خرید ذرت که میان شرکت سهامی پشتیبانی امور دام استان مازندران (شرکت خواهان) و شرکت تعاونی تولیدی (خواننده ردیف اول) منعقد شده است، طرفین توافق کرده بودند که در صورت تأخیر در بازپرداخت مبلغ قرارداد، خریدار روزانه مبلغی به‌عنوان وجه التزام به فروشنده بپردازد و صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون (خواننده ردیف دوم) نیز بازپرداخت بدهی خریدار را به‌وسیله ضمانت‌نامه بانکی تضمین نموده بود. در قرارداد موضوع دادنامه اول، بدهی با ۲۶ روز تأخیر و در قرارداد موضوع دادنامه دوم، بدهی با ۲۷ روز تأخیر پرداخت می‌شود. پیرو شرط مندرج در قرارداد، شرکت خواهان در شعبه چهاردهم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ساری، دو دعوی مجزا علیه ۱. شرکت تعاونی تولیدی و ۲. صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون به خواسته «مبلغی» به‌عنوان وجه التزام قراردادی اقامه می‌کند. شعبه چهاردهم در هر دو پرونده، با سه استدلال [۱. محدود بودن دایره شمول «ماده ۲۳۰ قانون مدنی» به تعهدات غیرپولی ۲. ناظر بودن قسمت اخیر «ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی» به مصالحه به کمتر از شاخص تورم ۳. «رأی قضی» محسوب شدن مطالبه مبلغی بیش از نرخ تورم] مطالبه وجه التزامی که بیش از نرخ تورم اعلامی سالانه بانک مرکزی باشد را صحیح ندانسته و حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌نماید. شرکت خواهان به هر دو رأی صادرشده توسط دادگاه بدوی، نزد دادگاه تجدیدنظر اعتراض می‌کند که نتیجتاً اعتراض به دادنامه اول، در شعبه بیست و دوم تجدیدنظر استان مازندران رد شده و دادنامه بدوی اول عیناً استوار می‌گردد. اما اعتراض به دادنامه دوم در شعبه بیست و پنجم تجدیدنظر استان مازندران وارد دانسته شده و با رد سه استدلال فوق‌الذکر و بیان این‌که: «توافق طرفین بر مبلغی به‌عنوان وجه التزام، مغایرتی با قوانین آمره ندارد»، دادنامه بدوی دوم نقض می‌گردد. درنهایت مطابق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دیوان عالی کشور رأی صادره از شعبه بیست و پنجم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران را صحیح و قانونی تشخیص داده و اقدام به صدور رأی وحدت رویه می‌نماید.

۲. نقد و بررسی «متن محور»

مطالب این قسمت، ذیل دو عنوان فرعی «نقد و بررسی شکلی» و «نقد و بررسی ماهوی» تقدیم می‌گردد.

۱.۲. نقد و بررسی شکلی

فارغ از محتوا و مبانی ماهوی صدور آراء قضایی، شایسته است قضات محترم دادگستری اهتمام ویژه‌ای به نکات شکلی رأی نیز داشته باشند؛ چراکه متن رأی، تنها راه ارتباطی میان قاضی و جامعه‌ی حقوقی است. خوشبختانه متن رأی وحدت رویه شماره (۸۰۵) با دقت لازم تنظیم شده و از لحاظ شکلی فاقد اشکال است؛ لکن در متن آراء صادره از شعبه بدوی و دو شعبه تجدیدنظر، ایرادات شکلی ذیل مشهود است:

- در متن رأی دادگاه بدوی در دادنامه دوم، میزان و مبلغ وجه التزام که به نوعی «خواسته» خواهان می‌باشد، در متن دیده نمی‌شود. هرچند که در متن رأی شعبه بیست و پنجم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران، به آن مبلغ تصریح شده است.
- در گزارش ارائه‌شده از پرونده، فقدان ارجاع صحیح و کامل به قوانین و مقررات جاری کشور به چشم می‌خورد:
- عدم ذکر نام کامل «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی» و عدم ذکر سال تصویب آن (۱۳۷۹).
- عدم ذکر نام کامل «قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)».
- ذکر اشتباه سال تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) که مصوب مورخ ۱۳۶۲/۰۶/۱۰ بوده و در متن به اشتباه سال ۱۳۶۳ ذکر شده است.

۲.۲. نقد و بررسی ماهوی (مبانی صدور رأی)

باتوجه به آنچه که ذیل عنوان «وقایع پرونده» گذشت، به نظر می‌رسد اظهارنظر درخصوص این‌که رأی وحدت رویه شماره (۸۰۵)، از لحاظ ماهوی به چه میزان موافق مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بوده است، منوط به صحت‌سنجی سه استدلال یاد شده است؛ لذا مطالب این قسمت، ذیل سه عنوان کلی نظم یافته‌اند.

۱.۲.۲. دایره شمول ماده (۲۳۰) قانون مدنی

در ادبیات حقوقی واژه «وجه التزام» عنوانی است که به «مبلغ» ذکر شده در ماده (۲۳۰) قانون مدنی^۱ اشاره دارد. در دکتین حقوقی از «وجه التزام» تعاریف مختلفی ارائه شده است: به عقیده برخی، وجه التزام مبلغی است که طرفین قرارداد در حین انعقاد عقد به عنوان میزان خسارت محتمل الوقوع ناشی از «عدم اجرا تعهد» و یا ناشی از «تأخیر در اجرای تعهد»، پیش‌بینی کرده و بر آن توافق نموده باشند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۰۱). طبق تعریفی دیگر، وجه التزام «توافقی است که به موجب آن طرفین میزان خساراتی را که در صورت عدم اجرا قرارداد یا ایجاد ضرر باید پرداخته شود از پیش تعیین می‌کنند» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۱۳)؛ همچنین گفته شده است: «هرگاه طرفین عقد توافق کرده باشند که متعهد در صورت عدم اجرا تعهد یا تأخیر مبلغ معینی بپردازد؛ این شرط را وجه التزام گویند» (صفایی، ۱۳۸۵: ۲۰۹). با توجه به تعاریف ارائه شده از وجه التزام و پیشینه تاریخی تصویب ماده (۲۳۰) قانون مدنی^۲، با اطمینان می‌توان گفت که ماهیت وجه التزام در نظام حقوقی ایران، صرفاً دارای جنبه «ترمیمی» و نهائماً دارای جنبه «تهدیدری» بوده و برخلاف برخی نظام‌های حقوقی دیگر فاقد جنبه «تنبیهی» است. وجه التزام از جنبه «تهدیدری»، تهدیدی است برای طرفین قرارداد تا فکر تخطی و تخلف از مفاد قرارداد به ذهنشان خطور نکند و در واقع امر، مبلغی است که به اصطلاح عامیانه «برای نگرفتن» و وصول نشدن در قرارداد درج می‌گردد. اما وجه التزام از جنبه «ترمیمی»، مبلغی است که طرفین برای ترمیم زیان‌های احتمالی که از جانب قرارداد بعداً ممکن است به آنان وارد شود، در نظر می‌گیرند. به عبارت دیگر طرفین قرارداد با درج شرط وجه التزام، قصد دارند علاوه بر اعطاء اطمینان خاطر بیشتر به طرف دیگر نسبت به عدم تخلف از قرارداد، تمامی مخاطرات و ریسک‌های احتمالی

۱. ماده (۲۳۰) قانون مدنی: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت، تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند».

۲. شاید بتوان گفت ماده (۲۳۰) قانون مدنی ایران، به نوعی برگردان ماده (۱۱۵۲) قانون مدنی فرانسه مصوب ۱۸۰۴ میلادی است که مطابق آن: «هرگاه در قرارداد مقرر شود که در صورت عدم انجام تعهد توسط یکی از طرفین مبلغی به عنوان ضرر و زیان پرداخت شود، طرف دیگر استحقاق مبلغی بیشتر و یا کمتر از آنچه که شرط شده را نخواهد داشت.»

آتی ناشی از تخلف از قرارداد - اعم از عدم اجرا قرارداد یا تأخیر در اجرا آن را پوشش داده یا به حداقل برسانند.^۱ نه از نص قانون مدنی و نه از تعاریف ارائه شده در دکترین حقوقی، مستفاد نمی‌گردد که وجه التزام در حقوق مدنی ایران، تنبیه یا توبیخی باشد که دادگاه به سبب تخلف متخلف از قرارداد، علیه او حکم کند.^۲ به هر ترتیب، اگر طرفین قرارداد به مفاد آن پایبند باشند، هیچ‌یک از طرفین حق مطالبه وجه التزام را نخواهد داشت.

به عقیده قاضی محترم شعبه چهاردهم دادگاه حقوقی شهرستان ساری، وجه التزام در «تعهدات پولی» موضوعاً از ماده (۲۳۰) قانون مدنی خارج بوده و این ماده تنها در خصوص وجه التزام در «تعهدات غیرپولی» است. همچنین ممکن است در تأیید این مطلب، گفته شود: «به قرینه صدر ماده (۲۲۸) قانون مدنی^۳ که به صراحت حکم خود را محدود به «تأدیه وجه نقد» نموده است، لازم است اطلاق ماده (۲۳۰) قانون مدنی را مقید به «تعهدات غیرپولی» دانست.» به نظر می‌رسد این استدلال قابل التزام نیست. توضیح آن که با دقت در دو ماده اخیرالذکر از قانون مدنی روشن می‌شود که اساساً مبنای این دو ماده متفاوت است؛ ماده (۲۳۰) قانون مدنی از توافق «قبلی» طرفین در خصوص مخاطرات و ریسک‌های احتمالی (خسارت قراردادی) سخن گفته است^۴ در حالی که ماده (۲۲۸) آن قانون، در خصوص امکان مطالبه خسارت حاصل از تأخیر در انجام تعهد (خسارت غیرقراردادی) است؛ حکم اول بر مبنای «مسئولیت قراردادی» و حکم دوم بر مبنای «مسئولیت خارج از قرارداد» پایه‌ریزی شده است. به عبارت دیگر ماده (۲۲۸) قانون مدنی اساساً نسبت

۱. شاید بتوان گفت مهم‌ترین مزیتی که درج وجه التزام در قراردادها به‌عنوان شرط ضمن عقد داراست، آن است که به محض ارتکاب تخلف از مفاد قرارداد، طرف قرارداد می‌تواند بدون نیاز به «اثبات ورود ضرر» و «تقویم ضرر»، وجه التزام مندرج در قرارداد را از متخلف مطالبه نماید. از این جهت، درج وجه التزام در قرارداد به تسهیل و تسریع در امر دادرسی کمک شایانی می‌نماید و از این رو برای طرفین قرارداد، دارای مطلوبیت اقتصادی است.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: (خسروی فارسانی، علی و بیرانوند، شاهپور (۱۳۸۹)، «مقایسه تطبیقی وجه التزام و خسارت تنبیهی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۴، شماره ۷۰).

۳. ماده (۲۲۸) قانون مدنی: «در صورتی که موضوع تعهد، تأدیه وجه نقدی باشد، حاکم می‌تواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم نماید.»

۴. تصریح برخی، تعیین مبلغ خاصی توسط طرفین قرارداد به‌عنوان وجه التزام، متضمن انصراف از کم و زیادی خسارت واقعی احتمالی در آینده است (حائری، ۱۳۷۶: ۲۰۸).

به «وجه التزام قراردادی» مفروغ^۱ عنه است؛ خواه وجه التزام مذکور، در «تعهدات پولی» شرط شده باشد یا در «تعهدات غیر پولی». در نتیجه دلیلی برای مخدوش شدن اطلاق ماده (۲۳۰) قانون مدنی وجود ندارد. بنابراین حکم ماده (۲۳۰) به اطلاق خود باقی بوده و شامل هر نوع تعهدی است و حکم ماده (۲۲۸) ناظر به مواردی است که طرفین در خصوص وجه التزام، از قبل توافقی نکرده بودند و حالا پس از اجرا قرارداد، به دلیل تأخیر در تأدیه دین، خسارتی وارد شده است. در نهایت به نظر می‌رسد رأی وحدت رویه مورد بررسی، از جهت تمسک به اطلاق ماده (۲۳۰) قانون مدنی فاقد اشکال است.

۲.۲.۲. ماهیت حکم ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی

و انقلاب در امور مدنی^۱ مصوب ۱۳۷۹ و منظور عبارت ذیل آن

در خصوص ماهیت حکم مندرج در ماده (۵۲۲) در میان حقوق دانان اتفاق نظر وجود ندارد. سوال آن است که آیا قانون‌گذار با وضع این ماده در صدد تبیین قاعده‌ای جدید بوده یا این که صرفاً به امکان مطالبه خسارت ناشی از تأخیر در تأدیه دیون و شرایط آن پرداخته است؟ برخی در تبیین ماهیت حکم این ماده با ذکر این نکته که امکان مطالبه «خسارت تأخیر تأدیه» در مواد قانونی دیگر مانند تبصره دوم ماده (۵۱۵) همین قانون^۲ یا ماده (۲۲۸) قانون مدنی بیان شده است، معتقدند ماهیت

۱. ماده (۵۲۲): «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه دائن و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبه کار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند.»

۲. ماده (۵۱۵): «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثناء دادرسی و یا به‌طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خواننده نسبت به اداء حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، همچنین اجرت‌المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تأخیر تسلیم آن از باب اتلاف و تسبیب از خواننده مطالبه نماید. خواننده نیز می‌تواند خسارتی را که عمداً از طرف خواهان با علم به غیرمحقق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید. دادگاه در موارد یادشده میزان خسارت را پس از رسیدگی معین کرده و ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به‌موجب حکم جداگانه محکوم‌علیه را به تأدیه خسارت ملزم خواهد نمود. در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد.»

تبصره ۱. در غیر مواردی که دعوی مطالبه خسارت مستقلاً یا بعد از ختم دادرسی مطرح شود مطالبه خسارت‌های موضوع این ماده مستلزم تقدیم دادخواست نیست.

مبلغی که دادگاه طبق این ماده می‌تواند علیه متأخر در پرداخت دین حکم کند، «خسارت» نیست؛ بلکه این مبلغ، جزئی از اصل دین است. (شهیدی، ۱۳۸۲: ۲۸۰ و ۲۸۱؛ آقای، ۱۳۹۶: ۲۴۷) به عبارت دیگر طبق این نظریه، اگر شخص متأخر از تأدیه دین، این مبلغ را نپردازد ذمه وی کماکان به دین مشغول خواهد ماند. با این توضیح که در شرایط نابسامان اقتصادی با تغییر فاحش قیمت‌ها، گاهی در تعهدات پولی «موضوع تعهد» و «موضوع تأدیه» از لحاظ ارزش اقتصادی و قدرت خرید متفاوت می‌شوند؛ لذا قانون‌گذار با تبیین «قاعده تعدیل پول» در ماده (۵۲۲) برای شرایط اقتصادی نابسامان چاره‌اندیشی نموده و ضابطه‌ای برای ایجاد وحدت میان «موضوع تعهد» و «موضوع تأدیه» در تعهدات پولی ارائه داده است.

برخی دیگر از حقوق‌دانان ضمن رد نظریه قبل، ماهیت حکم مندرج در ماده (۵۲۲) را «خسارت» دانسته و بیان نموده‌اند که: نظریه اول «اجتهاد در مقابل نص است؛ زیرا از نظر این ماده برای آن که دادگاه بتواند حکم به پرداخت مبلغ مزبور نماید، لازم است طلبکار پرداخت دین را مطالبه کرده باشد و از تاریخ مطالبه، مابه‌التفاوت مزبور محاسبه می‌شود؛ ولی در جایی که مابه‌التفاوت مزبور جزء اصل دین محسوب شود، برای مطالبه آن چنین شرطی لازم نیست. به‌علاوه شرط دیگر مطالبه مابه‌التفاوت مزبور، امتناع مدیون در فرض تمکن مالی است؛ یعنی زمانی دائن استحقاق مطالبه مابه‌التفاوت را خواهد داشت که مدیون با وجود تمکن مالی از پرداخت دین خودداری کرده باشد؛ درحالی که اگر مابه‌التفاوت مزبور جزء اصل دین باشد، برای استحقاق مطالبه اصل دین و حکم به پرداخت آن شرط تمکن مدیون ضرورتی ندارد و چه مدیون متمکن از پرداخت دین باشد چه نباشد، دائن استحقاق مطالبه‌ی آن را دارد. بنابراین آن چه در ماده مزبور پیش‌بینی شده است، چیزی جز «خسارت» تأخیر در پرداخت و نحوه محاسبه میزان آن نیست» (غریبه، ۱۳۸۷: ۵۹). تفاوت این دو نظریه در مسئله امکان جمع میان وجه التزام موضوع ماده (۲۳۰) قانون مدنی و حکم مندرج در ماده (۵۲۲) نمایان می‌گردد که طبق نظریه اول این امکان فراهم است؛ ولی طبق نظریه دوم، طرفین قرارداد با درج وجه التزام، قصد پوشش تمامی ریسک‌های احتمالی - از جمله خسارت ناشی از کاهش ارزش پول - را

داشته‌اند و در این صورت مطالبه هر دو مبلغ با هم فاقد وجهت قانونی است؛ «یعنی اگر طرفین، شرطی را در ضمن عقد، به منظور الزام طرف به رعایت دقیق سررسید بگنجانند، آن شرط نافذ است و شرایط ذکرشده در ماده ۵۲۲ مزبور لازم‌الرعایه نیست و اگر شرط ضمن عقد به ترتیبی که گفته شد موجود نباشد، خسارت تأخیر تأدیه را فقط می‌توان در قالب ماده یادشده مطالبه کرد» (وحدتی شبیری، ۱۳۸۲: ۱۰۶ و ۱۰۷).

از نظر نگارنده، ماهیت حکم مندرج در ماده (۵۲۲) را چه «جزئی از اصل دین» بدانیم و چه آن را «خسارت» ببنداریم، استناد رأی وحدت رویه شماره (۸۰۵) به عبارت ذیل این ماده خالی از اشکال نیست؛ چراکه منظور از مصالحه در این ماده، سازش دو طرف «پس از» تحقق شرایط الزام به تأدیه خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۳۴). لذا «مصالحه» مذکور در انتهای ماده (۵۲۲)، درخصوص امکان مصالحه «پس از بروز خسارت» ناشی از تأخیر در پرداخت دین بوده و نمی‌توان گفت که منظور ذیل ماده (۵۲۲)، وجه التزام موضوع ماده (۲۳۰) قانون مدنی است که «قبل از بروز خسارت» و حین‌العقد شرط می‌شود.

برای روشن‌تر شدن منظور ذیل ماده (۵۲۲) ذکر این نکته ضروری است که برخی پنداشته‌اند که لازم است این مصالحه به مبلغی کمتر از نرخ تورم باشد؛ به نظر می‌رسد گرچه ممکن است که در اغلب مصادیق خارجی صلح‌های انجام‌شده، طرفین به مبلغی کمتر از نرخ تورم مصالحه نموده باشند، اما «لزوم مصالحه به مبلغ کمتر» نه در «تعریف» صلح اخذ شده و نه جزء «شروط صحت» آن است و صرفاً مورد غالبی است؛ لذا پس از بروز خسارت، هیچ لزومی برای مصالحه به مبلغ کمتر از تورم وجود ندارد و طرفین می‌توانند بر هر مبلغی مصالحه نمایند.

۳.۲.۲. بررسی امکان تطبیق عنوان رباء قرضی بر وجه التزام مازاد بر

نرخ تورم

شعبه چهاردهم دادگاه حقوقی شهرستان ساری با این استدلال که: «در تمام دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج است، مطالبه و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بر اساس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود و شرط زیاده در تعهدات پولی، رباء قرضی محسوب می‌شود»، حکم به بی‌حقی خواهان

نسبت به مطالبه وجه التزام قراردادی صادر نموده بود. چنان‌که گذشت، «وجه التزام» و «خسارت تأخیر تأدیه» دارای تفاوت‌های بسیاری هستند و خلط این دو در این استدلال بسیار مشهود است؛ مهم‌ترین تفاوت آن است که وجه التزام بر مبنای مسئولیت قراردادی بوده و حین انعقاد قرارداد شرط می‌گردد، اما خسارت تأخیر تأدیه، نوعی خسارت است (بر مبنای مسئولیت خارج از قرارداد) که در فرض سکوت قرارداد نسبت به وجه التزام، قابل مطالبه است.

این‌که مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، ربا قرضی محسوب می‌شود یا خیر، از دایره موضوعی این نوشتار خارج است.^۱ اما در خصوص ربا قرضی محسوب شدن وجه التزام مازاد بر نرخ تورم در تعهدات پولی، شایان توجه است که در ربا قرضی، متعهد علاوه بر تعهد اصلی، در هر حال مکلف به پرداخت مبلغی مازاد بر دین است که آن مبلغ حسب شرایط ربا محسوب می‌گردد؛ حال آن‌که در وجه التزام - هرچند مازاد بر نرخ تورم سالانه باشد متعهدی که از تعهدات قراردادی خود تخلف نموده و نقض عهد نکرده باشد، مکلف و متعهد به پرداخت مبلغی بیشتر از «موضوع دین» نخواهد بود و متعهدله به هیچ وجه مستحق دریافت وجه التزام قراردادی نخواهد بود. به نظر می‌رسد توضیح پیش گفته، مهم‌ترین وجه تمایز ربا قرضی و وجه التزام است؛ لذا به نظر می‌رسد اطلاق عنوان «ربا قرضی» بر «وجه التزام» محل خدشه باشد.

۳. نقد و بررسی «فرامتنی»

پس از نقد و بررسی شکلی و ماهوی (نقد و بررسی متن محور)، برای روشن‌تر شدن ابعاد رأی وحدت رویه شماره (۸۰۵) لازم است به آثار و تبعات رأی نیز توجه شود؛ آراء مختلف صادره از محاکم دادگستری، ممکن است هم از لحاظ شکلی و هم از لحاظ مبانی صدور رأی، عاری از هرگونه اشکال حقوقی باشند؛ لکن از جهات مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره جامعه هدف، دارای آثار و تبعات سوء باشند.

۱. به عقیده بسیاری از فقیهان و حقوقدانان، خسارت تأخیر تأدیه از جهات بسیاری متفاوت از ربا قرضی است؛ مانند این‌که: ربا به تراضی معین می‌شود ولی خسارت در دادگاه به واسطه قانون تعیین می‌گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۱۰؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۷۰).

برای مطالعه بیشتر رک: (وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۸۲)، «خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد»، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی، سال نهم، شماره ۳۴).

چنان‌که عکس این مطلب نیز می‌تواند صادق باشد. اهم نکات در خصوص آثار و تبعات رأی وحدت رویه (۸۰۵) به شرح زیر است:

- یکی از مباحث مهمی که اخیراً با انجام مطالعات تطبیقی مورد توجه جامعه حقوقی کشور قرار گرفته است، امکان‌سنجی در خصوص «تعدیل قضایی شروط غیرمنصفانه مندرج در قراردادهای خصوصی»^۱ است که یکی از این شروط، می‌تواند درج شرط وجه التزام غیرمنصفانه باشد. به تبع جامعه حقوقی، در محاکم دادگستری نیز برخی قضاات با عنایت به آن که حکم کردن به برخی از وجه التزام‌های قراردادی سنگین را مخالف انصاف و وجدان تلقی می‌نمودند، مسیرهایی قانونی برای تعدیل یا نپذیرفتن این نوع از وجه التزام‌ها یافته بودند. در برخی موارد وجه التزام ناشی از تأخیر در اجرا تعهدات پولی آنچنان گزاف می‌شود که وجه التزام مذکور، کل مبلغ معامله را در بر گرفته و در برخی موارد از کل مبلغ قرارداد نیز بیشتر می‌شود. در چنین حالتی اصطلاحاً «مبلغ قرارداد در وجه التزام مستغرق می‌گردد.» به گفته بریان لیتر^۲ استاد حقوق دانشگاه شیکاگو و رئیس مرکز حقوق و فلسفه آن دانشگاه، این واقعیت غیرقابل انکار است که قضاات، در مسیر دستیابی به احکام قضایی، بیش از آن که «حساس به قواعد حقوقی»^۳ باشند، عمدتاً «حساس به واقعیات»^۴ جامعه خود هستند (پترسن، ۱۳۹۵: ۸۴). قضاات محترم دادگستری نیز با درک واقعیت‌های اقتصادی جامعه در مواردی حکم کردن به چنین وجه التزام‌های گزاف را خلاف انصاف می‌دیدند ولی به هر حال ممکن است با صدور رأی وحدت رویه (۸۰۵)، طی مسیره‌های قانونی پیش‌گفته در جهت تعدیل یا نپذیرفتن وجه

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص تعدیل قضایی شروط غیرمنصفانه ر.ک:

(شمالی، نگار و صفایی، دکتر سید حسین (۱۳۹۸)، «مطالعه تطبیقی ضمانت اجراء غیرمنصفانگی شروط قراردادی در ایران، ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸۶)، (حاتمی، علی‌اصغر و صادقی، عبدالرضا (۱۳۹۱)، «شرط وجه التزام غیرعادلانه»، دوفصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، شماره ۲) و (ولی‌زاده، کامران و رنجبری، ایوب (۱۳۹۶)، «شرط وجه التزام غیرمنصفانه در حقوق ایران و انگلیس»، فصلنامه مطالعات حقوق، شماره ۱۶).

2. Brian Leiter.

3. Rule-Responsive.

4. Fact-Responsive.

التزام‌های سنگین کمی دشوار شود؛ هرچند که به عقیده نگارنده باتوجه به نکته آتی این مسیر بسته نشده است.

- به وضوح مهم‌ترین کارکرد رأی وحدت رویه، ایجاد «وحدت رویه» در محاکم است، حال آن‌که به نظر می‌رسد که درج قید اضافی «در صورتی که مغایرتی با قوانین و مقررات امری از جمله مقررات پولی نداشته باشد» در متن رأی وحدت رویه، برخلاف مهم‌ترین کارکرد رأی وحدت رویه، موجب «تشتت در رویه» شود. اطلاق وصف «اضافی» به قید مذکور از آن جهت است که این قید، صرفاً ذکر بدیهیات حقوقی است. در هر حال قید اضافی مذکور می‌تواند به محملی قانونی برای تعدیل وجه التزام‌های گزاف و ناعادلانه تبدیل شود. لذا درج قید مذکور در متن رأی وحدت رویه، با رویکردهای مختلف ممکن است از جهتی منفی و از جهات دیگر مثبت تلقی گردد.

- ممکن است چنین برداشت شود که رأی وحدت رویه (۸۰۵) شامل تسهیلات و وام‌هایی که بانک‌ها اعطاء می‌نمایند نیز می‌شود. به عبارت دیگر ممکن است گفته شود در قراردادهایی که موضوع آن‌ها دین و از نوع وجه بوده و یکی از طرفین قرارداد بانک باشد، بانک نیز مانند سایر اشخاص در قراردادهای خصوصی خود می‌تواند وجه التزامی که مازاد بر نرخ تورم سالانه باشد را درج نماید. مخصوصاً این مطلب که موضوع آراء بدوی شعبه چهاردهم حقوقی شهرستان ساری در خصوص «ضمانت‌نامه بانکی» است، خود به تقویت این برداشت ممکن است کمک نماید. لکن به نظر می‌رسد که این برداشت ناصواب است؛ چراکه وجه التزام در قراردادهای بانکی صرفاً بر مبنای ماده (۱۵) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی و تبصره‌های آن قابل مطالبه است که این ماده نیز وجه التزام در قراردادهای بانکی را به «دستورالعمل وصول مطالبات غیرجاری شورای پول و اعتبار مصوب ۱۳۹۴/۰۷/۰۷» ارجاع داده است. طبق دستورالعمل یادشده، هم‌اکنون وجه التزام در قراردادهای بانکی عبارت است از «نرخ سود پس از سررسید به‌علاوه ۶ درصد مبلغ قرارداد». درنهایت به نظر می‌رسد که رأی وحدت رویه (۸۰۵) شامل بانک‌ها و قراردادهای تسهیلات بانکی نمی‌گردد.

نتیجه

اظهار نظر در خصوص این که رأی وحدت رویه شماره (۸۰۵)، از لحاظ ماهوی به چه میزان موافق مبانی نظام حقوقی ایران بوده است، منوط به بررسی سه مسئله است: ۱- دایره شمول ماده (۲۳۰) قانون مدنی ۲- ماهیت حکم مندرج در ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و منظور عبارت ذیل آن ۳- تطبیق یا عدم تطبیق عنوان رباء قرضی بر وجه التزام مازاد بر نرخ تورم.

باتوجه به پیشینه تاریخی تصویب ماده (۲۳۰) قانون مدنی و تعاریف مختلف ارائه شده از وجه التزام می توان گفت که رأی وحدت رویه شماره (۸۰۵) از جهت تمسک به اطلاق ماده (۲۳۰) قانون مدنی فاقد اشکال است؛ چراکه ماده (۲۲۸) قانون مذکور اساساً نسبت به «وجه التزام قراردادی» مفروغ‌عنه است و نمی تواند مقید دایره موضوعی ماده (۲۳۰) باشد و لذا این ماده هم شامل تعهدات پولی و هم شامل تعهدات غیرپولی است.

در خصوص ماهیت حکم مندرج در ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ به نظر می رسد قبول به ماهیت «خسارتی» قابل توجیه تر از نظریه «تعدیل پول» باشد؛ چراکه در ماده مذکور قیودی مانند «مطالبه دائن، امتناع مدیون در فرض تمکن و غیره» درج شده اند که با نظریه «تعدیل پول» قابل جمع نیست. بنابر ماهیت خسارتی مذکور، دادگاه نمی تواند متخلف از قرارداد را هم به پرداخت وجه التزام و هم به پرداخت خسارت موضوع ماده (۵۲۲) محکوم نماید. از طرف دیگر منظور از عبارت ذیل ماده (۵۲۲) [مگر به نحو دیگری مصالحه نمایند] مصالحه پس از بروز خسارت است؛ لذا رأی وحدت رویه از جهت استناد به ذیل ماده (۵۲۲) دارای اشکال به نظر می رسد.

مهم ترین وجه تمایز میان «رباء قرضی» و «وجه التزام» آن است که در رباء قرضی، متعهد علاوه بر تعهد اصلی، در هر حال مکلف به پرداخت مبلغی مازاد بر دین است؛ لکن در وجه التزام، اگر طرفین به مَر مفاد قرارداد عمل نمایند، وجه التزام منتفی است. بنابراین هر چند امکان سوء استفاده رباخواران از رأی وحدت

رویه شماره (۸۰۵) وجود دارد؛ اما صحت اطلاق عنوان «رباء قرضی» بر «وجه التزام» محل خدشه است.

در نهایت در خصوص آثار و تبعات رأی وحدت رویه شماره (۸۰۵) می‌توان گفت: ۱. رأی مذکور به هیچ وجه شامل قراردادهای تسهیلاتی بانک‌ها نمی‌شود؛ چراکه بانک‌ها مشمول قانون خاص بوده و وجه التزام در قراردادهای مذکور صرفاً بر مبنای ماده (۱۵) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی و تبصره‌های آن قابل مطالبه است. ۲. قید اضافی [در صورتی که مغایرتی با قوانین و مقررات امری از جمله مقررات پولی نداشته باشد] که در انتهای متن رأی درج گردیده است، صرفاً ذکر بدیهیات حقوقی است و ممکن است بیش از آن که به «وحدت رویه» کمک کند، موجب «تشتت در رویه» گردد.

۳. البته قید اخیرالذکر می‌تواند به محملی برای تعدیل یا نپذیرفتن وجه التزام‌های گزاف در قراردادهای خصوصی - مخصوصاً در مواردی که موضوع و مبلغ اصل قرارداد مستغرق در وجه التزام می‌شود- تبدیل شود.

منابع

- آقایی، کامران (۱۳۹۶)، «ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در آیین نظریه تعدیل پول»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲۰، شماره ۸۰.
- امامی، دکتر سید حسن (۱۳۸۳)، **حقوق مدنی**، جلد ۴، چاپ ۱۷، تهران: انتشارات اسلامی.
- پترسن، دنیس (۱۳۹۵)، **مکاتب معاصر فلسفه حقوق؛ کتاب راهنمای بلکول برای فلسفه حقوق**، ترجمه یحیی شعبانی و دیگران، چاپ ۱، تهران: ترجمان علوم انسانی.
- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر (۱۳۷۸)، **حقوق تعهدات**، چاپ ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- _____، دکتر محمد جعفر (۱۳۸۲)، **مجموعه محشاء قانون مدنی**، چاپ ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حائری (شاه باغ)، سید علی (۱۳۷۶)، **شرح قانون مدنی**، جلد ۱، چاپ ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- شهیدی، دکتر مهدی (۱۳۸۲)، **آثار قراردادهای و تعهدات**، چاپ ۱، تهران: انتشارات مجد.
- صفایی، دکتر سید حسین (۱۳۸۵)، **دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای**، جلد ۲، چاپ ۴، تهران: نشر میزان.
- غریبه، علی (۱۳۸۷)، «بررسی فقهی قابلیت مطالبه میزان کاهش ارزش پول و خسارت تأخیر تأدیه»، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال ۴، شماره ۱۶.
- کاتوزیان، دکتر ناصر (۱۳۷۶)، **حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای**، جلد ۱ و جلد ۴، چاپ ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار، بهمن برنا.
- _____ (۱۳۸۵)، **الزامات خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی**، جلد ۱، چاپ ۸، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۸۲)، «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۲.